

بسم الله الرحمن الرحيم

زیست‌نامه آیت‌الله دکتر شهید بهشتی

سید محمد حسینی بهشتی



سید محمد حسینی بهشتی

آرامگاه	بهشت زهرا تهران
محل زندگی	اصفهان، قم، تهران، هامبورگ
نقش‌های برجسته	نظریه‌پردازی جمهوری اسلامی تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
لقب	آیت الله - شهیدمظلوم

آثار	خدا از دیدگاه قرآن،
فرزندان	محمد رضا، علی رضا،

سید محمد حسینی بهشتی (۱۳۰۷ - ۱۳۶۰ش) از روحانیون مؤثر در انقلاب اسلامی ایران بود. بهشتی در حوزه علمیه قم شاگرد علمایی مانند آیت الله بروجردی، امام خمینی، محقق داماد و علامه طباطبائی بود. وی از معدود روحانیان تحصیل کرده دانشگاهی و آشنا به زبان‌های انگلیسی و آلمانی بود. او از بنیان‌گذاران و اساتید مدرسه علمیه حقانی است که دروس دینی را به روش‌های جدیدتر آموزش می‌داد و دبیرستان دین و دانش را نیز با هدف تقویت علمی جوانان مذهبی تاسیس کرد.

بهشتی از مخالفان نظام سلطنتی پهلوی حاکم بر ایران بود و علیه آن مبارزه سیاسی می‌کرد به همین دلیل مدتی از ایران خارج شد و در این مدت در مرکز اسلامی هامبورگ در آلمان فعالیت می‌کرد. در سال ۱۳۴۹ به ایران بازگشت و بر فعالیت‌های فرهنگی از جمله تدوین کتب درسی دانش‌آموزان متمرکز شد. در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رهبری انقلاب او را به عنوان یکی از اعضای شورای انقلاب انتخاب کرد و بعد از پیروزی نیز از موثرترین افراد در تنظیم قانون اساسی بود و به عنوان نخستین رئیس قوه قضائیه در جمهوری اسلامی ایران فعالیت خود را آغاز کرد.

بهشتی بعد از تشکیل جامعه روحانیت مبارز تهران با همکاری دوستانش حزب جمهوری اسلامی را تشکیل داد و نخستین دبیر کل آن شد. او سرانجام در دفتر مرکزی همان حزب و در یک عملیات تروریستی در ۷ تیر ۱۳۶۰ش به همراه ۷۲ تن دیگر به شهادت رسید.

بهشتی در مسائل مختلف دینی صاحب نظر بود و گاه مواضعی متفاوت از سایر روحانیان داشت، چنان‌که در دهه ۱۳۵۰ شمسی از علی شریعتی در مقابل حملات حوزویان دفاع می‌کرد. از او آثاری منتشر شده که بخش مهمی از آن‌ها حاصل سخنرانی‌های اوست.

تولد و نسب

در دوم آبان ۱۳۰۷ در محله لُنبان اصفهان متولد شد. پدرش، سید فضل الله بهشتی، از روحانیون اصفهان بود و پدر مادرش، حاج میرزا محمد صادق مدرس خاتون آبادی، از شاگردان آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی بود و از علمای اصفهان به شمار می‌رفت.

تحصیلات

دوره تحصیل ابتدایی و دو سال اول دبیرستان را در مدارس دولتی اصفهان طی کرد و در ۱۳۲۱ش، که جامعه ایران پس از سقوط رضاشاه دوره پرتلاطم و پرحادثه‌ای را آغاز کرده بود، وارد حوزه علمیه شد و در مدرسه صدر اصفهان به تحصیل علوم دینی پرداخت.

تحصیل علوم دینی

او در حوزه علمیه اصفهان ادبیات عرب، منطق، کلام و دروس سطح فقه و اصول را آموخت و همزمان شروع به آموختن زبان انگلیسی کرد. در ۱۳۲۵ش، برای ادامه تحصیل علوم دینی به قم رفت و یک سال بعد در درس خارج فقه و اصول استادان برجسته حوزه علمیه شرکت کرد.

از استادان وی در قم، آیت الله بروجردی، سید محمد محقق داماد، امام خمینی و شیخ مرتضی حائری یزدی بودند. وی در این سال‌ها با حضور در درس‌های فلسفی علامه طباطبائی بیشتر به فراگیری فلسفه روی آورد و از اصحاب حلقه درسی بود که مقالات علامه طباطبائی در آن حلقه، در همان سال‌ها، به صورت کتاب معروف اصول فلسفه و روش رئالیسم انتشار یافت.

تحصیلات دانشگاهی

بهشتی، همزمان با تحصیل علوم دینی در قم، تحصیلات دبیرستانی ناتمام خود را به صورت داوطلب آزاد به پایان رساند و پس از اخذ دیپلم ادبی در ۱۳۲۷ش دانشجوی دانشکده معقول و منقول (الهیات و معارف

اسلامی کنونی) شد. در ۱۳۲۹-۱۳۳۰ش، در تهران سکونت گزید و برای امرار معاش به تدریس پرداخت. پس از اخذ درجه لیسانس در ۱۳۳۰ش به قم بازگشت و با تسلطی که به زبان انگلیسی پیدا کرده بود در دبیرستان حکیم نظامی آن شهر دبیر زبان انگلیسی شد. در ۱۳۳۱ش، ازدواج کرد و در کنار تدریس در دبیرستان، تحصیل در حوزه علمیه را ادامه داد.

بهشتی که مصمم بود به موازات تحصیل و حضور و فعالیت در حوزه علمیه قم، تحصیلات دانشگاهی را نیز دنبال کند، در ۱۳۳۵ش دوره دکتری فلسفه را در دانشکده معقول و منقول آغاز کرد و بعد از وقفه‌ای که به سبب مسافرت او به آلمان پیش آمد، در ۱۳۵۳ش به اخذ درجه دکتری نایل شد.

آثار

وی نویسنده‌ای کثیرالتألیف نبود. بیشتر کتاب‌های او حاصل درس‌گفتارها و سخنرانی‌های اوست.

از کتب او می‌توان این عناوین را نام برد

۱. خدا از دیدگاه قرآن (رساله پایان‌نامه دکتری)،

۲. شناخت اسلام (با همکاری محمد جواد باهنر و علی گلزاده غفوری)،

۳. نماز چیست؟

۴. بانکداری، ربا و قوانین مالی در اسلام،

۵. محیط پیدایش اسلام،

۶. اقتصاد اسلامی،

۷. شریعتی، جستجوگری در مسیر «شدن»

۸. حج در قرآن.

۹. شناخت از دیدگاه قرآن

۱۰. ولایت، رهبری، روحانیت

۱۱. حق و باطل از دیدگاه قرآن
۱۲. بهداشت و تنظیم خانواده
۱۳. نقش آزادی در تربیت کودکان
۱۴. بایدها و نبایدها
۱۵. تفسیر سوره حمد
۱۶. پیامبری از نگاهی دیگر
۱۷. مبارزه پیروز (تحلیل قیام عاشورا)
۱۸. سه گونه اسلام
۱۹. درس گفتارهای فلسفه دین
۲۰. همچنین برخی از مقالات و گفتارهای وی در مبانی نظری قانون اساسی گردآوری شده است.

فعالیت‌های اجتماعی

بهشتی از آغاز جوانی به فعالیت‌های اجتماعی و برنامه‌ریزی‌های گسترده آموزشی و تبلیغی علاقه داشت، چنان که در ۱۳۲۶ش در یک جمع هجده نفری که مرتضی مطهری نیز از آن جمله بود، شیوه جدیدی از مسافرت تبلیغی و مطالعات مذهبی برنامه ریزی شده را با اشراف آیت الله بروجردی و وساطت امام خمینی تجربه کرد.

در ۱۳۳۱ش، تحت تأثیر مبارزات آیت الله کاشانی و محمد مصدق در نهضت ملی شدن نفت، در اعتصابات منتهی به واقعه ۳۰ تیر و سقوط دولت قوام السلطنه در اصفهان شرکت نمود و در جمع متحصنان در تلگراف‌خانه اصفهان سخنرانی کرد.

تأسیس دبیرستان دین و دانش

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش، بهشتی را که در مسائل اجتماعی ذهنی پویا و حساس داشت متوجه ضعف نیروهای مذهبی کرد. نخستین اقدام او برای تربیت نیروهای مذهبی کارآمد، تأسیس دبیرستان دین و دانش در ۱۳۳۳ش در قم بود که مدیریت آن را تا ۱۳۴۲ش خود وی برعهده داشت.

مقاله نویسی

در این سالها حوزه علمیه قم فعالیت های فرهنگی جدیدی را برای معرفی اسلام به نسل جوان و تحصیل کردگان دانشگاهی آغاز کرده بود. بهشتی نیز در فعالیت هایی از قبیل انتشار مجله مکتب اسلام و سالنامه و فصلنامه مکتب تشیع حضوری مفید و مؤثر داشت و مقاله مفصلی تحت عنوان «حکومت در اسلام» در نشریه اخیر (۱۳۳۸-۱۳۳۹ش) منتشر ساخت و در جلسات سخنرانی موسوم به «گفتار ماه» نیز که در تهران برای جوانان و دانشجویان تشکیل می شد همراه با روحانیونی چون مرتضی مطهری و آیت الله طالقانی سخنرانی می کرد.

تأسیس مدرسه علمیه حقانی

در همین سالها بهشتی، با طرح اندیشه های نو و افکار اصلاحی و انتقادی خود، درصدد ایجاد تحول و بهبود در حوزه علمیه قم برآمد و علاوه بر تأسیس «کانون اسلامی دانش آموزان و فرهنگیان قم» که زیر نظر محمد مفتاح اداره می شد، با همکاری روحانیونی دیگر توانست روش و برنامه درسی جدیدی برای طلاب علوم دینی طراحی کند و با تأسیس مدرسه منتظریه یا مدرسه حقانی آن را به اجرا درآورد.

مبارزه سیاسی

پس از درگذشت آیت الله بروجردی و مرجعیت امام خمینی، فصل جدیدی از تحولات و مبارزات سیاسی در حوزه علمیه قم و محافل مذهبی آغاز شد. بهشتی نیز به این مبارزات پیوست. فعالیت های وی در واقعه

۲ فروردین ۱۳۴۲ و پانزدهم خرداد همان سال و دستگیری امام خمینی به تفصیل در اسناد سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) آمده است.

عضویت در هیئت مؤتلفه

هنگامی که تشکلی از چند هیئت مذهبی به نام هیئت های مؤتلفه اسلامی برای پشتیبانی از نهضت امام خمینی به وجود آمد، بهشتی از روحانیونی بود که از سوی امام خمینی برای نظارت بر کار این تشکل و کمک به آنها تعیین شد.^[۶] با گسترش فعالیت‌های سیاسی و فکری بهشتی در قم، ساواک او را مجبور به ترک این شهر کرد و وزارت آموزش و پرورش وی را موقتاً منتظر خدمت نمود.^[۷] با عزیمت به تهران، میدان گسترده‌تری برای فعالیت در اختیار بهشتی قرار گرفت، اما توقف وی در این شهر چندان طولانی نشد.

سفر به آلمان

در ۱۳۴۳ش، آیت الله سید محمد هادی میلانی که از مراجع تقلید و مقیم مشهد بود از بهشتی خواست که در اجابت درخواست مسلمانان و ایرانیان مقیم هامبورگ، به آلمان عزیمت کند و اداره مرکز اسلامی هامبورگ را بر عهده گیرد. آیت الله سید احمد خوانساری نیز بر ضرورت این سفر تأکید داشت. با سفر بهشتی به اروپا، که به علت مخالفت‌های ساواک خالی از دشواری نیز نبود، افق تازه‌ای در برابر ذهن پویا و نوگرای بهشتی گشوده شد.

اقامت وی در آلمان پنج سال طول کشید. در این مدت، وی علاوه بر تصدی امور دینی ایرانیان و سایر مسلمانان مقیم هامبورگ و آلمان و بعضی کشورهای دیگر اروپایی، توانست با کمک عده‌ای از دانشجویان متدین ایرانی، «اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان گروه فارسی زبان» را ایجاد کند و دانشجویان مبارزی را که به علت اعتقادات مذهبی با تشکیلاتی مانند کنفدراسیون دانشجویان ایرانی و سازمان‌های مشابه آن رابطه‌ای نداشتند در این اتحادیه گرد آورد. بهشتی در معرفی اسلام به اروپاییان نیز قدم‌های مؤثری برداشت و با تسلط یافتن بر زبان آلمانی در کنار زبان انگلیسی با افکار متفکران و فیلسوفان غربی آشنا شد. در همین

سال‌ها به حج رفت (۱۳۴۵ش) و با امام خمینی نیز در عراق ملاقات کرد (۱۳۴۸ش). گزارش‌های ساواک نشان می‌دهد که این سازمان به شدت مراقب و نگران فعالیت‌های وی در این دوره بوده است.

بازگشت به ایران

بهشتی در ۱۳۴۹ش، از آلمان به ایران آمد و ساواک مانع بازگشت وی به آلمان شد. در فاصله سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۶ش، بهشتی در تهران و قم به فعالیت‌های علمی و آموزشی و اداره جلسات آموزشی و تبلیغی برای طلاب و جوانان دانشگاهی پرداخت و افکار خود را از این طریق در جامعه ترویج کرد. از جمله فعالیت‌های مهم وی در این دوره، حضور مؤثر در بخش برنامه‌ریزی درس تعلیمات دینی وزارت آموزش و پرورش و مشارکت با روحانیون دیگر مانند شهید دکتر محمد جواد باهنر، علی گلزاده غفوری و سید رضا برقی در تألیف کتاب‌های درس دینی و قرآن مدارس سراسر کشور بود. این کتاب‌ها در آشنایی وسیع جوانان آن دوره با اسلام و ایجاد زمینه‌های اعتقادی برای انقلاب اسلامی در ذهن آنان مؤثر بود. در ۱۳۵۴ش، ساواک او را دستگیر و مدت کوتاهی زندانی کرد.

جامعه روحانیت مبارز تهران

با اوج‌گیری مبارزات ملت ایران به رهبری امام خمینی در ۱۳۵۶ش، فعالیت‌های بهشتی رنگ سیاسی بیشتری گرفت و توان و تجربه وی در سازماندهی، مدیریت و جذب نیروهای متعهد به ظهور رسید. از جمله نخستین اقدامات وی همکاری در ایجاد تشکلی به نام «جامعه روحانیت مبارز تهران» در پاییز ۱۳۵۷ش بود که خود نیز در هسته مرکزی آن عضویت داشت.

شورای انقلاب

اندکی بعد «شورای انقلاب» به دستور امام خمینی تشکیل شد و بهشتی در شمار نخستین کسانی بود که امام خمینی او را به عضویت این شورا انتخاب کرد.

در پاییز و زمستان ۱۳۵۷ ش بهشتی نقش بسیار مؤثری در هدایت و سازماندهی مبارزات اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی داشت و فعالیت‌ها و روابط او با دیگران در این ایام به شدت تحت مراقبت ساواک بود. وی در برگزاری راهپیمایی معروف تاسوعا و عاشورای ۱۳۵۷ ش در تهران و شهرستان‌ها فعال بود.



بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، بهشتی همراه با سید علی خامنه‌ای، موسوی اردبیلی، هاشمی رفسنجانی و شهید باهنر تأسیس «حزب جمهوری اسلامی» را اعلام داشت که اندیشه آن از مدتی پیش در ذهن او و یارانش جوانه زده بود. این حزب مورد استقبال عموم مردم انقلابی و متدین قرار گرفت و بهشتی که دبیرکل حزب بود، آن را کانون فعالیت‌های سیاسی و انقلابی خود قرار داد و به گفته آیت الله خامنه‌ای «در لحظه لحظه عمر پرماجرایی این حزب از همه اخلاص و حلم و حکمت و درایت و هوش خدادادی برای رسیدن به آرمان‌های حزب که همان هدف‌های انقلاب اسلامی است بهره می‌گرفت».

مشارکت در تدوین قانون اساسی

بهشتی در برگزاری انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی و تدوین قانون اساسی نقشی مؤثری داشت. او که خود در آن مجلس به نمایندگی از مردم تهران عضویت داشت، از سوی نمایندگان به عنوان نایب رئیس آن مجلس انتخاب گردید و عملاً اداره آن را بر عهده گرفت و در تنظیم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تصویب آن تلاش و تأثیر بسیار داشت.

رئیس دیوان عالی کشور

در ۱۳۵۸ ش امام خمینی او را به ریاست دیوان عالی کشور انتخاب کرد؛ وی وظیفه «ایجاد تشکیلات نوین قضایی بر اساس تعالیم مقدس اسلام... و تدوین لوایح قضایی جدید جمهوری اسلامی ایران» را برعهده گرفت.

نقش موثر در شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی

بهشتی در دوران نسبتاً کوتاه میان پیروزی انقلاب اسلامی تا زمان شهادت، با اندیشه و تلاش بی‌وقفه درصدد تنظیم و تدوین پشتوانه‌های نظری و قانونی برای نظام جمهوری اسلامی ایران و نیز تشکیل و تأسیس ارکان اصلی حکومت اسلامی بود. در این مدت می‌باید او را از معروف‌ترین چهره‌های معتقد و مدافع اندیشه‌های امام خمینی دانست.

وی تحقق اسلام را در جامعه در گرو تحقق مفاهیم بنیادینی از قبیل استقلال، عدالت، آزادی و مشارکت مردم در امور سیاسی و فعالیت‌های اقتصادی می‌دانست. داشتن چنین بینشی سبب شده بود تا بر قطع تسلط بیگانگان از کشور و لزوم استقرار و استقلال قوه قضاییه و تعدیل ثروت در جامعه از طریق گسترش مالکیت‌های تعاونی و تقویت شرکت‌های تعاونی و اهمیت فعالیت‌های سیاسی در قالب احزاب و همفکری در قالب شوراهای تأکید بلیغ داشته باشد.

بهشتی در جذب نیروهای جوان به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و تشویق آنان به سازندگی کشور توانایی قابل ملاحظه‌ای داشت و از این راه به «کادرسازی» برای جمهوری اسلامی ایران می‌پرداخت. «جهاد سازندگی» و نهادهای مشابه آن، به همین جهت، از پشتیبانی و مدیریت وی بهره‌مند می‌شدند. بهشتی در کنار آگاهی از معارف اسلامی، با وجوهی از اندیشه‌های غربی نیز آشنایی داشت و سخنوری توانا و نویسنده‌ای خوش قلم بود. او صاحب چهره‌ای جذاب و قامتی بلند و حسن خلقی آمیخته با رأفت و مهربانی و دارای سعه صدر و انصاف و برخوردار از صبر و متانت بود. روحیه‌ای با نشاط و امیدوار داشت و در نظم و انضباط و مدیریت نمونه بود و به برگزاری نماز در اول وقت تقید خاصی داشت. مجموعه این امتیازات، همان‌طور که او را در مرکز توجه توده مردم متدین و عموم نیروهای طرفدار انقلاب

اسلامی قرار داده بود، وی را آماج دشمنی‌ها و تهمت‌های همه اشخاص و گروه‌هایی ساخت که او را مانعی بر سر راه خود می‌دیدند. دامنه گسترده دشمنی و مخالفت با وی و کثرت تهمت‌هایی که بر او، مخصوصاً پس از پیروزی انقلاب، وارد شد و صبر و سکوت وی در برابر این دشمنی‌ها حیرت‌آور است.

شهادت

بهشتی ۷ تیر سال ۱۳۶۰ شمسی، در دفتر حزب جمهوری اسلامی همراه با عده‌ای از همفکرانش بر اثر انفجار بمب به شهادت رسید. مسئولیت این بمب‌گذاری را سازمان تروریستی موسوم به مجاهدین خلق بر عهده گرفت. در اعلامیه امام خمینی به مناسبت شهادت بهشتی و یاران او آمده است: «بهشتی... مظلوم زیست و مظلوم مرد و خار چشم دشمنان اسلام بود».

منبع: سایت ویکی شیعه